

بررسی جایگاه اخبار طینت در میان معارف شیعه – محمد جعفر اسلامی، حسین جلیلی  
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال چهاردهم، شماره ۵۴ «ویژه عدل الهی»، بهار ۱۳۹۶، ص ۱۳۱-۱۵۷

## بررسی جایگاه اخبار طینت در میان معارف شیعه

\* محمد جعفر اسلامی

\*\* حسین جلیلی

**چکیده:** این مقاله در صدد آنست که ثابت نماید بحث طینت ابعاد مختلفی دارد و تحقیق و بررسی و ارائه تحلیل و توجیه پیرامون اخبار طینت مستلزم آن است که به موضوعات مهم دیگری که پیوند عمیقی با این بحث دارد توجه گردد و تفسیر واضح و روشنی از آنها و ارتباط آنها با اخبار طینت ارائه گردد. در این مقاله پس از تبیین این نکته که این اخبار دارای موضوعات متنوعی است، به ارتباط آن با مباحثی از جمله: عالم ذر، میثاق، خلقت نوری، سعادت و شقاوت، معاد، قضا و قدر، نفس و انتقال اعمال اشاره می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** طینت، عالم ذر، میثاق، خلقت نوری، سعادت و شقاوت، معاد، قضا و قدر، نفس، انتقال اعمال.

احادیث طینت عبارت است از آن دسته اخباری که آفرینش سرشت انسان را از سرشت خوب و بد پیش از این دنیا معرفی می‌کند.

این احادیث نکات متعددی در بردارد، از جمله:

۱. آفرینش پیامبران الهی، یعنی پیغمبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ پیش از این عالم، از طینت علیین یا طینت بهشت خلق شده‌اند، و دشمنان ایشان از طینت سجین یا طینت دوزخ آفریده شده‌اند.

۲. خداوند متعال از همه انسان‌ها با هر خصوصیتی که داشتند، بر ربوبیت خود، نبوّت انبیاء و ولایت اهل بیت ﷺ پیمان گرفت که تنها عبادت او کنند، چیزی را شریک وی قرار ندهند، به پیغمبران و اولیائش ایمان آورند و از آنها پیروی کنند. شیعیان اهل بیت ﷺ در این دنیا همان کسانی‌اند که در امتحان در عالم پیشین سر بلند بیرون آمدند، اما مخالفین اهل بیت ﷺ در امتحان عالم ذر و میثاق، از خداوند سرپیچی نمودند.

۳. بر اساس امتحانی که پروردگار از انسان‌ها گرفته، برخی را از طینت و سرشتی خوب، و برخی را نیز از سرشتی بد و ناپاک خلق نموده است.

۴. در شماری از روایات طینت، خلقت و آفرینش انسان از «الماء العذب الفرات» و «الماء المالح الأجاج» تبیین گشته است.<sup>۱</sup> محلّشین این اخبار را نیز از جمله اخبار طینت به شمار آورده‌اند و در حقیقت آنها را به منزله تفسیر یا تعبیری مختلف از «خلقت آغازین انسان از دو حقیقت خوب و بد» دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر القمی: ۱: ۳۹-۴۱.

۲. مجلسی در بخار الانوار با توجه به این نکته اخبار این چنینی را در باب الطینة و المیثاق گرد آورده است. بخار الانوار: ۵: ۲۳۸-۲۳۷

۵. بعضی از روایاتی که در باب طینت آمده، منشأ اختلاف را آفرینش آغازین انسان از نور و ظلمت دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

۶. علت این تفاوتها آن است که بدین وسیله آدمیان در حالات مختلف مورد تکلیف و امتحان واقع گردند.<sup>۲</sup>

۷. طینت خوب و بد با یکدیگر اختلاط پیدا نموده و به همین جهت گاهی از مؤمنان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام اعمال سیئه صادر می‌گردد.

۸. اعمال سیئه و گناهانی که از مؤمنان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام سر زده، به مخالفین اهل بیت علیهم السلام انتقال می‌یابد. همچنین اعمال حسنی‌ای که توسط مخالفین اهل بیت علیهم السلام صورت پذیرفته، به مؤمنین و شیعیان انتقال می‌یابد.

احادیث طینت نکات فوق را در بردارد. لذا با مشکلاتی همچون تعارض با احادیث فطرت، تعارض با احادیث اختیار و امر بین الامرين، سعادت و شقاوت ذاتی انسان و عدل الهی دست به گریبان است که موجب شده علماء و دانشمندان بسیاری به توجیه، تحلیل و تأویل این روایات دست بزنند<sup>۳</sup> که در اینجا مجال سخن از آن نمی‌باشد.

هدف از آنچه که در آینده می‌آید، نشان دادن میزان پیوند میان اخبار طینت و بسیاری از موضوعات دیگر در معارف حدیثی کلامی شیعه است.

به خاطر همین پیوند است که می‌بینیم برخی از محدثان اخبار طینت این احادیث را در ابواب متفاوت نقل نموده‌اند. به طور مثال برقی در باب «میثاق»،<sup>۴</sup>

۱. علل الشرائع ۱: ۱۱۷.

۲. الكافی ۲: ۱۰-۹.

۳. علامه سید عبد الله شیر در مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاخبار با ارائه نظریه در توجیه و تفسیر این اخبار، در صدد پاسخگویی از این مشکلات برآمده است. مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاخبار ۱: ۱۸-۴.

۴. المحاسن ۱: ۱۳۵.

صفار در بابهای «اینکه ائمه طیبین آنچه در میثاق اتفاق افتاده را می‌دانند»<sup>۱</sup> «حدیث ائمه آل محمد ﷺ صعب و مستصعب است»<sup>۲</sup>، «علت طبایع و شهوات و محبتها»<sup>۳</sup>، مجلسی در باب «طینت و میثاق» برخی از این اخبار را گرد آورده‌اند. علامه طباطبائی در حاشیه بر بحار الأنوار به خوبی به این مطلب اشاره کرده و از کسانی که بین مباحث مختلف و متعدد مطرح شده در احادیث طینت خلط نموده‌اند انتقاد کرده است. وی در این باره گفته است: « الاخبار طینت مشتمل بر مسئله واحدی نیست؛ بلکه هر یک از مسئله‌های طینت انتقال اعمال، شروع خلقت، اخذ میثاق و میثاق در عالم ذر مسائل گوناگونی هستند که همگی به قضاء و اراده کلی الهی ارتباط دارند؛ در حالی که پژوهشگران مختلف؛ از جمله متکلمان و مفسران این مباحث را با یکدیگر آمیخته‌اند».<sup>۴</sup>

گاه اصل پذیرش این موضوعات و گاه چگونگی تفسیر آنها می‌تواند نقش اثر گذاری داشته باشد.

از همین روی در بحث از اخبار طینت باید به جایگاه موضوع طینت در میان این معارف، نوع ارتباط و تأثیر گذاری متقابل آنها توجه داشت؛ تا بتوان آراء و نظرات دانشمندان را بهتر بررسی کرد و منظومه فکری صحیح و کامل‌تر از این مباحث ارائه داد.

اینک نخست به تبیین مختصراً از این موضوعات می‌پردازیم، سپس به تأثیر این موضوعات و تأثیر انتخاب مبنای و تفسیر آنها، بر بحث طینت اشاره خواهیم کرد.

۱. بصائر الدرجات: ۱۰۹-۱۱۰.

۲. بصائر الدرجات: ۴۵-۴۷.

۳. علل الشرائع: ۱: ۸۲-۸۴.

۴. بحار الأنوار: ۵: ۲۷۶.

## ۱. اخبار طینت و عالم ذر

طبق معارف دینی انسان مرکب از دو جزء بنام روح و جسم است. این امر بر اساس آیات و روایات، امری مسلم و پذیرفته شده است. ترکیب میان این دو جزء از سنخ ترکیب انضمایی است؛ به طوری که محال نیست که بین آنها جدایی نباشد و در حقیقت نمی‌توان بقای هر کدام را مشروط به وجود دیگری پنداشت. اما این جدایی هیچ‌جا به وقوع نمی‌پیوندد؛ مگر در عالم بزرخ - فاصله میان مرگ تا قیامت و برانگیخته شدن بدن انسان - که روح به صورت مستقل تا روز قیامت، پایدار و باقی می‌ماند.

این جدایی زمان دیگری نیز به وقوع پیوسته، و آن در عالمی پیش از این عالم؛ یعنی عالم ارواح است. روح آدمی پیش از اینکه وی پا به عرصه این عالم بگذارد، در عالمی دیگر آفریده شده و خداوند خود را مستقلًا در آن عالم به ارواح آدمیان شناسانده است. برخی از حدیث شناسان در مورد این اخبار، گاهی ادعای تواتر مضمونی و گاهی ادعای تواتر لفظی دارند.

ارتباط بحث خلقت طینت با اخبار عالم ذر از آنجا محکم می‌شود که در بحث خلقت طینت، آفرینش ارواح مؤمنین از طینت و سرشتی خوب مطرح شده است، و ظاهرا عالم ذر، همان عالمی است که خلقت طیتی ارواح مؤمنین و کافران در

۱. بنا بر تفسیر حدیث شناسان قبلیت عالم ذر و عالم ارواح، قبلیت زمانی نیست؛ بلکه مقصود قبلیت رتبی است؛ چرا که اساساً در تفسیر عالم ذر چنین گفته می‌شود که بطنی از بطون عالم می‌باشد که زمان در آن بی معناست.

۲. در برخی از روایات وارد شده که آدمیان در این عالم به هیئت ذر آفریده شدند: «...فأخرج ذريته من صلبه نسما في هيئة الذر. فالرهم العقل وقررهم أنه الرب...» مختصر بصائر الدرجات: ۲۲۶. از این روی به آن عالم ذر می‌گویند.

شایان ذکر است که برای این عالم در روایات متعدد، تعابیر مختلفی بیان شده است. در برخی از روایات، از آن تعبیر به عالم اُطلَّة، در برخی آشیان و در برخی نیز ارواح شده که هر کدام ناظر به جلوه خاصی از این عالم بوده است. مثلاً از عالم ذر به عالم ظلال و اظلله تعییر شده چرا که به منزله ظل و سایه این عالم می‌باشد. مراآة العقول: ۵، ۶۲، نور البراهین: ۱۶۰. نظریه دیگری نیز وجود دارد که عوالی را که با تعابیر مختلف آمده جدای از یکدیگر می‌داند. تفصیل این بحث در جای خود می‌آید.

آنجا صورت پذیرفته است.

با مراجعه به متن برخی از این اخبار، این هم بستگی موضوعی را می‌توان دید. به عنوان مثال امام باقر علیه السلام می‌فرماید: إن الله أخذ ميتاًق شيعتنا بالولاية لنا وهم ذر، يوم أخذ الميتاًق على الذر بالأقرار بالربوبية ولمحمد صلى الله عليه وآله بالنبوة، وعرض الله عز وجل على محمد أمه في الطين وهم أطلة، وخلقهم من الطينة التي خلق منها آدم وخلق الله أرواح شيعتنا قبل أبدانهم بألفي عام، عرضهم عليه وعرفهم رسول الله، وعرفهم عليا، ونحن نعرفُهم في لحن القول.<sup>۱</sup>

در این روایت، تعبیر «ذر»، «أطلة»، «خلقلت ارواح قبل ابدان» و «طینت» در کنار یکدیگر ذکر شده که بیانگر یکی بودن این عالم می‌باشد. از همین روی می‌بینیم برخی از محدثان، اخبار مرتبط با طینت را در ابوابی تحت عناوین «خلق الأرواح قبل الأجساد» نقل می‌کنند.<sup>۲</sup>

لذا بحث از طینت متوقف بر قبول موضوع کلی تر تحت عنوان عالم ارواح تنها حدیث پژوهانی که وجود این عالم را از لحاظ عقلی و نقلی پذیرفته‌اند، می‌توانند در فضای آفرینش طینتی مؤمنان و کافران سخن بگویند و کسانی که وجود عالم ذر را به هر دلیلی نپذیرفته‌اند، نمی‌توانند جایگاهی برای بحث خلقت طینت مؤمنان و کافران در معارف اعتقادی قائل باشند.

لذا چنین کسانی، این خلقت را اساساً باطل می‌پنداشند.<sup>۳</sup>

۱. بحار الأنوار: ۵۸: ۱۳۴-۱۳۵.

۲. رجوع شود به بحار الأنوار: ۵۸: ۱۳۱.

۳. در میان اندیشمندان، متکلمان و مفسران بر جسته، شیخ مفید (تصحیح اعتقدات الامامیه: ۸۳-۸۶)، سید مرتضی (در امالی) و نقہ الاسلام طبرسی (مجمع البيان: ۴: ۳۹۱-۳۹۲) از منکرین عالم ذر محسوب می‌شوند و در این زمینه به ادله متفاوتی بر عدم وجود عالم ذر استدلال کرده‌اند. در مقابل افرادی همچون صدرالدین شیرازی (العرشیه: ۱۳۶) میرزا حسین نوری (خاتمه المستدرک: ۴: ۲۱۸) با توجه به کثرت روایات این باب عالم ذر را از ضروریات خوانده‌اند. مجلسی این اخبار را



از سوی دیگر، برخی از نکاتی که در ساختار معرفتی عالم ذر از روایات استفاده شده، می‌تواند مفسّر و مبین برخی از مشکلات و پیچیدگی‌های اخبار طینت باشد.

به عنوان مثال جبر اعمال آدمیان در این دنیا و متأثر شدن ایمان و کفر ایشان از عالم ارواح را، می‌توان با توجه به روایات عالم ذر که می‌گوید انسان کافر در آن عالم، می‌تواند در این عالم تغییر کرده و مؤمن شود، توجیه کرد. نمونه دیگر، انس و اختلاف گروه‌های ارواح است که می‌تواند به خلقت از طینت خوب و بد مرتبط باشد.

در برخی از روایات عالم ذر آمده که گروه‌های ارواح که با یکدیگر در عالم ذر به انس و محبت و یا اختلاف و تنفر پرداختند، وقتی که انسان در این دنیا به خواب می‌رود، ارواح ایشان به آسمان رفته و به انس و محبت و یا اختلاف می‌رسند. «إِنَّ الْعَبَادَ إِذَا نَامُوا خَرَجَتْ أَرْوَاحُهُمْ إِلَى السَّمَاءِ، فَمَا رَأَتِ الرُّوحُ فِي السَّمَاءِ فَهُوَ الْحَقُّ، وَ مَا رَأَتِ فِي الْهَوَاءِ فَهُوَ الْأَضَغَاثُ...»<sup>۱</sup>

## ۲. اخبار طینت و میثاق

امتحان گرفتن از بندگان یعنی؛ میثاق، در اخبار طینت بحث شده، و خلقت شخص از طینت خوب و بد، بر اساس میثاق و امتحانی است که در عوالم پیشین صورت پذیرفته است. لذا علامه مجلسی در بحار الأنوار، دو بحث طینت و میثاق را در یک باب قرار داده است.

در مربوط به میثاق، اساس ایمان و کفر این دنیا تحت تأثیر ایمان و عدم ایمان در

قریب به تواتر دانسته و شیخ عبد النبی عراقی نیز اخبار این باب، را از متواترات لفظی دانسته است. (سفینه شماره ۱۵ ص

(۱۵)

۱. الأُمَالِيُّ لِلصَّدُوقِ: ۲۰۹.

عالی میثاق قلمداد شده؛ که مشابه اخبار طینت است.

همین خاطر مروری اجمالی به بحث میثاق در آیات و روایات و نگرشاهی مختلف پیرامون میثاق داریم.

نظریه میثاق و امتحان قبل از خلقت جسمانی ریشه در قرآن دارد، از جمله آیه ۱۷۲ سوره اعراف که فرمود: «وَإِذْ أَخْذَ رِبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذَرِيتُهُمْ وَأَشَهَدُهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلْسُتْ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلِّي شَهَدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كَنَا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ».<sup>۱</sup> طبق این آیه امتحان برای همه آحاد بشر صورت گرفته و بنا بر ظاهر آن، تمامی اشخاص در این امتحان پیروز بوده‌اند و اقرار به الوهیت پروردگار نموده‌اند.<sup>۲</sup>

در احادیث دیگر، از ایمان آوردن و عدم ایمان گروهی از ارواح نیز سخن به میان آمده، که آنان به صورت گروه گروه شده و در میان ایشان، اختلاف، انس و آشنازی برقرار شده است.

پس در نگاه نخست می‌توان احتمال داد که میثاق‌ها و امتحاناتی که در عالم ذر گرفته شده، متعددًا و به اشکال و اتجاه مختلفی بوده است.<sup>۳</sup>

بعضی از احادیث که در عالم ارواح اساساً بعث رسلا و انبیاء نیز بوده است. این اخبار علاوه بر امتحانی که از طرف خداوند صورت پذیرفته از امتحاناتی توسط پیغمبر و امامان علیهم السلام گزارش کرده‌اند.

۱. روایات متعددی پیرامون تفسیر این آیه و چگونگی میثاق در عالم پیشین وارد شده است. در برخی از این روایات اشاره به میثاق برای روایت خداوند متعال شده در برخی علاوه بر آن از میثاق برای ولایت علیهم السلام نیز سخن به میان آمده و در شماری نیز تنها به میثاق اهل بیت علیهم السلام اشاره شده است. رجوع شود به تفسیر العیاشی: ۲: ۴۰-۶۰۳ و تفسیر البرهان: ۲: ۶۱۲، تفسیر نور النقلین: ۲: ۹۲-۱۰۲. علامه طباطبائی پس از ذکر شماری از این احادیث میثاق چنین نتیجه‌ای می‌گیرد که میثاق برای امور متعددی بوده، از جمله روایت پروردگار، نبوت پیامبر علیهم السلام و ولایت اهل بیت علیهم السلام. تفسیر المیزان: ۸: ۳۲۴.

۲. تعلیقه علامه شرعی بر شرح اصول کافی: ۷: ۱۰۴.

۳. برخی از عالمان، تکالیف و امتحانات را نیز متعدد فرض کرده‌اند؛ مانند: محمد استر آبادی که تکالیف پیش از این عالم را در دو عالم متفاوت فرض نموده، و یک تکالیف مرتبط به عالم مجرد مخصوص و دیگری را در عالم ظلال دانسته است.

امام صادق علیه السلام در حدیثی به مفضل فرمود: «يا مفضل أما علمت أن الله تبارك وتعالى بعث رسول الله عاصيَةُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ رُوحُ إِلٰي الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهُمْ أَرْوَاحُ قَبْلِ خَلْقِ الْخَلْقِ بِالْفَيْ عَامٌ، قال: أما علمت أنه دعاهم إلى توحيد الله وطاعته واتباع أمره ووعدهم الجنة على ذلك وأوعد من خالف ما أجبوا إليه وأنكره النار قلت بلى». <sup>۱</sup>

علامه مجلسی در مرآة العقول، دیدگاه‌های بزرگان شیعه را در سه رویکرد خلاصه نموده است<sup>۲</sup> که اشاره خواهد شد.

رویکرد اول: شیوه محلثین - و به تعبیر مجلسی: متورّعین - است که می‌گویند: اجمالاً به آنچه که در این روایات است ایمان و اعتقاد داریم؛ اما از فهم معانی والای آن عاجز هستیم و نمی‌توان دست به تأویل و یا توجیه آن برد.

رویکرد دوم: آیات و روایات پیرامون میثاق، حمل بر استعاره مجاز و تمثیل می‌شود. اینان بعضی از احادیث مربوط را به معانی مجازی تأویل می‌برند و بعضی دیگر را از اخبار ضعیف و آحاد می‌دانند؛ که نمی‌توان بر آنها اعتماد کرد. شیخ مجید، سید مرتضی و طبرسی از معتقدین به این نظر هستند. از دانشوران معاصر، میرزا ابوالحسن شعرانی را می‌توان در این گروه نام برد.<sup>۳</sup>

قالیلین به این قول می‌گویند: آیاتی از قبیل آیه «أَلسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالَوَا بَلَى» اشاره به احوال انسان در این دنیا می‌کند؛ بدین معنا که خداوند هر یک از آحاد بشر را از صلب و رحم تا مرحله انفصال و جدا شدن هدایت نمود و آنچه که برای خداشناسی بدان نیازمند باشد فراهم نمود و گویا زمانی که آنها را به سمت نفس غرق در نیاز خود متوجه نمود، از آنها پرسید «أَلسْتَ بِرَبِّكُمْ» و گویا انسان نیز این خطاب و زبان حال را شنیده و پاسخ گفته: «بلی». اینچنان میثاقی نیز از تمامی

۱. علل الشرائع ۱: ۱۶۲ - ۱۶۳.

۲. مرآة العقول ۷: ۳۸.

۳. بنگرید: تعلیقات شعرانی بر شرح کافی مازندرانی ج ۷ ص ۱۰۴ و ۱۳۲.

انسانها در طول حیات دنیا گرفته می‌شود.<sup>۱</sup>

رویکرد سوم: رویکرد بسیاری از دانشمندان شیعه است که این آیات و اخبار را پذیرفته‌اند و مفاد آنها را که گرفتن امتحان الهی در عالمی پیش از این عالم و در عالم ذر می‌باشد، مغایر و متعارض با هیچ یک از اصول اعتقادی شیعه ندانسته‌اند.<sup>۲</sup> به عنوان مثال شیخ حر عاملی جایگاه خاصی برای این بحث در معارف شیعی قائل است. وی در کتاب الفصویل المهمة با اختصاص یک باب تحت عنوان «إِنَّ اللَّهَ سَبَّحَنَهُ كَلْفُ الْخَلْقِ كُلُّهُمْ بِالْإِقْرَارِ بِالْتَّوْحِيدِ وَنَحْوُهُ فِي عَالَمِ الذَّرِّ» به آن پرداخت.<sup>۳</sup>

نامبرده این اخبار را بیش از هزار حدیث و بالاتر از حد تواتر می‌داند.<sup>۴</sup> موضوع میثاق و تکالیف آدمیان در عوالم پیشین، در برخی از مباحث علم کلام نیز نقش قابل توجهی دارد.

به عنوان مثال معنای معرفت و جحود و خلق آن دو که سید نعمت الله جزائری در این مورد، پس نقل آراء متعدد می‌گوید: «أَقُولُ: وَيَجُوزُ أَنْ يَكُونَ خَلْقُ الْمَعْرِفَةِ وَالْجَحْدُ فِي هَذَا الْعَالَمِ بِنَاءً عَلَى مَا وَقَعَ مِنَ التَّكْلِيفِ فِي عَالَمِ الذَّرِّ، فَتَأْمُلُ».<sup>۵</sup>

نکته دیگر این که شناخت انسان به یکتایی خداوند و اطاعت اوامر الهی در این دنیا باید مسبوق به معرفتی الهامی از پیش باشد. که به فطرت تعبیر شده و اگر وجود نداشت، آدمی هیچ گاه خود را مخاطب به بیانات قدسی نمی‌دانست. بنابراین بحث فطرت نیز، ریشه در میثاق و امتحان در عالم ذر دارد.

۱. المیزان: ۸، ۳۱۸.

۲. برای اطلاع بیشتر در این زمینه رجوع شود به تفسیر المیزان: ۸، ۳۱۸ - ۳۶۲، مرآة العقول: ۷، ۳۸ - ۵۴.

۳. الفصویل المهمة: ۱: ۴۲۰ - ۴۲۵.

۴. الفصویل المهمة: ۱: ۴۲۵.

۵. نورالبراهین: ۱: ۵۴۵.



در مقابل گروهایی مانند اشاعره معرفت الهامی پیشین را در مخاطب قرار گرفتن سخنان پروردگار شرط نمی‌داند. ملا محمدامین استرآبادی، به این نظر که در کلام اشاعره آمده اشاره می‌کند و در مقام انتقاد از این باور می‌گوید:

«الثالثة - إنه يستفاد منها أن ما زعمه الأشاعرة - من أن مجرد تصور الخطاب - من غير سبق معرفة الهامة بخالق العالم وبأن له رضى وسخطا وأنه لا بد من معلم من جهته ليعلم الناس ما يصلحهم وما يفسدهم - كافٍ في تعلق التكليف بهم - ليس ب صحيح.»<sup>۱</sup>

از آنچه گفته شد، می‌توان فهمید که بحث از میثاق و تکلیف آدمیان پیش از این عالم؛ به عنوان یکی از مباحث مطرح شده در احادیث طینت، چگونه و تا چه حد با دیگر مباحث معرفتی مرتبط است.

### ۳. اخبار طینت و اخبار خلقت نوری

در احادیث متعددی آمده است که نخستین چیزی که آفریده شده، نور پیغمبر و اهل بیت ﷺ می‌باشد. در برخی دیگر آمده است که خلقت مؤمنین و کفار پیش از این عالم، از نور و ظلمت صورت پذیرفته است. نوری که اهل بیت ﷺ از آن آفریده شدند نور پروردگار و جلال عظمتش<sup>۲</sup>، دون عرش و یمین عرش<sup>۳</sup>، تبیین شده.<sup>۴</sup> در برخی از این روایات، خلقت عرش، لوح، خورشید، روشنایی روز، نور دیدگان، عقل، معرفت، چشم بندگان، گوشها و قلوب بندگان از نور پیغمبر دانسته شده<sup>۵</sup> و در احادیث دیگر، آفرینش شیعه از نور اهل بیت ﷺ بیان

۱. الحدائق الناصرة: ۳: ۴۰.

۲. بحار الانوار: ۳: ۳۰۷، ۴: ۴، ۴۲، ۱۵: ۲۵، ۲۴: ۲۵، ۱۷: ۲۵.

۳. بحار الانوار: ۱: ۱۰۹.

۴. در روایتی آمده است که هر یک از انبیاء الهی نیز از نور خداوند متعال آفریده شدند و پروردگار از هر قطره‌ای از نور خویش پیغمبری را آفرید. بحار الانوار: ۵: ۲۰۰.

۵. بحار الانوار: ۲۵: ۲۲.

شده است.<sup>۱</sup>

برقی - محدث شیعی سده سوم - بخشی از این روایات را در باب «ما خلق الله تبارک و تعالى المؤمن من نوره» آورده است.<sup>۲</sup> محمد بن حسن صفار در کتاب بصائر الدرجات در باب «فی خلق أبدان الأئمة عليهم السلام وفي خلق أرواحهم وشیعهم» به تعدادی از این اخبار پرداخته<sup>۳</sup> و کلینی، شماری از این احادیث را در کافی در بابی تحت عنوان «باب خلق أبدان الأئمة و أرواحهم و قلوبهم عليهم السلام»<sup>۴</sup> وارد نموده است. علامه مجلسی شمار بسیاری را در باب «بدء خلقه وماجری له فی المیثاق»<sup>۵</sup> و برخی را در باب «خلقهم و طیتهم و ارواحهم عليهم السلام» گرد آورده است.

اخبار طینت و احادیث خلقت نوری اهل بیت علیهم السلام، از آن جهت که هر دو به آفرینش نخستین انسان پیش از این دنیا اشاره دارد، مشترک هستند. علامه مجلسی احادیث طینت و بحث خلقت نورانی را از یک سنخ می‌داند و هر کدام از احادیث خلقت نورانی را تعبیر و کنایه برای حقیقت آفرینش طینتی می‌شمارد.<sup>۶</sup>

همچنین وی در شرح حدیثی از احادیث خلقت نورانی شیعه، یکی از احتمالات در تفسیر خلقت مؤمن از نور را کنایه و تفسیری از خلقت طینت می‌داند و به تعبیری همه این احادیث را مبین برای یک حقیقت می‌پنداشد که

۱. بحار الانوار ۲۶:۲۶.

۲. المحسن ۱:۱۳۱-۱۳۲.

۳. بصائر الدرجات: ۳۹-۴۰.

۴. بحار الانوار ۱:۳۸۹-۳۹۰.

۵. بحار الانوار ۱۵:۲-۱۷۴، ۱۷۴:۴۰، ۱۰۳:۳۰، ۱۹۵:۴۰.

۶. بنگرید: بحار الانوار ۲۶:۲۶.

گاهی از آن تعبیر به طینت و گاهی تعبیر به نور می‌گردد. وی در شرح حدیثی از احادیث آفرینش مؤمن از نور می‌گوید: «خلق المؤمن من نوره: أَيْ من روح طيبة منورة بنور الله، أو من طينة مخزونة مناسبة لطينة أئمتهم عليهم السلام... أبُوه النور وأمِه الرحمة» کأنه على الاستعارة أَيْ لشدة ارتباطه بأنوار الله ورحماته، كأن أباًه النور وأمِه الرحمة أو النور كنایة عن الطينة والرحمة عن الروح أو بالعكس.<sup>۱</sup>

همچنین در برخی از روایات خلقت نورانی اهل بیت علیهم السلام، موضوع آفرینش آن گرامیان از طینت علیین و گاه خلقت شیعیان ایشان از طینت طیبه اشاره شده است. برای مثال مراجعه شود به باب (بدء خلقه وما جرى له في الميثاق، وبدء نوره وظهوره) و باب (خلقهم وطینتهم وأرواحهم صلوات الله عليهم)<sup>۲</sup> در بحار الانوار.

شایان توجه است که برخی از روایاتی که محدث مجلسی در ابواب خلقت نوری آورده است، از احادیث اختصاصی باب طینت محسوب می‌گردد؛ مانند: حديث بصائر الدرجات از امام صادق علیه السلام.<sup>۳</sup>

در حدیثی دیگر پیوند خلقت نوری و طیتی بیشتر به چشم می‌خورد، که در آن طینت علیین در بردارنده نور قلمداد شده است.<sup>۴</sup>

علامه طباطبائی نیز به پیوند اخبار خلقت نوری و خلقت طیتی توجه دارد. وی در تفسیر المیزان پس از ذکر شماری از احادیث طینت به ذکر احادیث خلقت نوری اشاره کرده و تبیینی از پیوند و ارتباط این دو گروه از احادیث ارائه می‌دهد. وی می‌گوید: احادیثی که خلقت شیعیان و اهل بیت علیهم السلام از نور، و خلقت مخالفین ایشان از ظلمت و تاریکی را می‌رساند، در حقیقت بیانگر خلقت و

۱. بحار الانوار ۶۴: ۷۳-۷۴

۲. بحار الانوار ۱۵: ۲۱

۳. بحار الانوار ۲۵: ۱

۴. بحار الانوار ۹: ۲۵

۵. علل الشرائع ۱: ۱۱۷

آفرینشی است که از خلقت از طینت علیین و سجین انعام می‌پذیرد.<sup>۱</sup> برخی از تعابیر در زیارات مؤثوره نیز از اتحاد خلقت طینت و خلقت نوری خبر می‌دهد و آن را تأیید می‌کند. در زیارت جامعه می‌خوانیم: «أشهد أن هذا سابق لكم فيما مضى وجار لكم فيما بقي وأن أرواحكم ونوركم وطينتكم واحدة، طابت وظهرت بعضها من بعض، خلقكم الله أنوارا فجعلكم بعرشه محدقين حتى من علينا بكم فجعلكم في بيوت أذن الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه». <sup>۲</sup> در این بخش از زیارت جامعه کبیره به خوبی خلقت روحی نوری و طیقی یکی خوانده شده است و در حقیقت هر کدام از این واژگان اشاره به جنبه‌ای از خلقت پیش از این عالم است.

#### ۴. اخبار طینت و اخبار سعادت و شقاوت

مفad ظاهر اخبار طینت آن است که سرنوشت آدمیان از پیش تعیین شده است و به واسطه آفرینشی که از طینت خوب و بد صورت پذیرفته، سعادت و شقاوت آنها تعیین گشته است. مشابه این مطلب در شماری از احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز وارد شده که به نوعی بر تقدیر ازلی بشر در سعادت و شقاوت دلالت دارد. بر اساس ظاهر این اخبار، جبر و عدم اختیار انسان در سرنوشت خویش ثابت می‌گردد.<sup>۳</sup> از این روی اندیشمندان در پی توجیه اخبار سعادت و شقاوت ذاتی بر

۱. المیزان: ۸. ۱۰۴.

۲. من لا يحضره الفقيه: ۶۱۳.

۳. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان اشکالاتی را که ظاهر این اخبار دارد به خوبی تبیین می‌کند. وی می‌نویسد: الف. سعادت و شقاوت ذاتی با مالکیت مطلقه الهی منافات داشته، و مستلزم محدود نمودن سلطنت پروردگار می‌باشد که قرآن، سنت و عقل مخالف با آن است.

ب. چنین امری مستلزم اختلال نظام عقل در جمیع مبانی عقلاست؛ چرا که بنای جمیع عقلاه بر تأثیر تعلیم و تربیت می‌باشد و همه بر این که برخی از اعمال نیک و ممدوح است و برخی از کارها زشت و ناپسند و قابل سرزنش می‌باشد اتفاق نظر دارند.

ج. لازمه این سخن آن است که تشریع و فرستادن کتابهای آسمانی و نیز ارسال پیامبران همه لغو و بیهوده باشد. همچنین دیگر اتمام حجت در ذاتیات هر طور که تصور گردد معنا نخواهد داشت؛ زیرا بنا بر این فرض، انفکاک ذوات از ذاتیات خود محال است؛ حال آنکه قرآن کریم در جای خود با این لوازم مخالفت صریح دارد. المیزان: ۸. ۹۵.

آمده‌اند.

اما مباحثی که در درون این روایات و تفاسیر آنها مطرح شده، می‌تواند در تفسیر، تبیین و توجیه اخبار طینت اثر گذار باشد. و معنای هر یک از دو دسته روایات مکمل معنای دسته دیگر است.

۱۴۵

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان در ذیل آیه شریفه «قل أَمْ رَبِّيْ بِالْقَسْطِ وَأَقْيمُوا وَجْهَكُمْ عَنْ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لِهِ الدِّينِ كَمَا بَدَأْكُمْ تَعُودُونَ»<sup>۱</sup> در تبیین اخبار سعادت و شقاوت و اخباری که درباره خلقت اولیه می‌باشد، بحث روایی مفصلی ارائه می‌دهد و در آنجا روایات طینت و سعادت و شقاوت را در کنار هم بررسی نموده و تحلیل می‌کند.<sup>۲</sup> علامه روایات سعادت و شقاوت را به پنج گروه تقسیم می‌کند که دست کم سه دسته از این اخبار (دسته دوم تا دسته چهارم) از اخبار طینت به شمار می‌آید که به تعابیر مختلف، از مطابقت پایان کار انسان با خلقت آغازینش سخن گفته است.

وی درباره اشتراک موضوع این اخبار می‌گوید: «گر چه این روایات از حیث مفاد مختلف‌اند؛ همه در این که انتهاء خلقت به شکل خلقت نخستین است و بازگشت انسان مانند آغاز آفرینش اوست و نیز در بیان این نکته که کسی که در

۱. اعراف: .۳۹

۲. المیزان: ۸-۹۵. سید نعمت الله جزائری از محدثین شهیر قرن دوازدهم هجری نیز با توجه به اشتراک موضوع سعادت و شقاوت در احادیث طینت و احادیثی که دلالت بر سعادت و شقاوت ذاتی می‌کند، به ارائه تحلیلی مشترک پیرامون این دو دسته از اخبار می‌دهد. نور البراهین: ۲۸۵-۲۹۰. همچنین شیخ محمد حسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی در تبیین اختلاف و تفاوت بندگان در فرمانبرداری و معصیت می‌گوید: این اختلاف ناشی از اراده و اراده ناشی از اختلاف دواعی و اختلاف دواعی ناشی از اختلاف ادراکات و اختلاف ادراکات ناشی از اختلاف استعدادها و اختلاف استعدادها ناشی از اختلاف ذوات و طبائع می‌باشد. دلیل و مؤید این مطلب نیز اخبار طینت و اخبار سعادت و شقاوت عنوان می‌کند. کمپانی در این تبیین به نکته مشترک بین احادیث طینت و سعادت و شقاوت نظریه: «السعید سعید فی بطن امه و الشقی شقی فی بطن امه» توجه و اشاره داشته است. الفصول الغردویة: ۳۲۸-۳۲۹. امام خمینی نیز در کتاب لب الأثر فی الجبر والقدر به این نقطه مشترک در روایات طینت و سعادت و شقاوت توجه و اشاره کرده است. لب الأثر فی الجبر والقدر: ۱۱۷-۱۲۳.

خاتمه هدایت یافته، از ابتدا هدایت یافته بوده و گمراه نیز از ابتدا گمراه شده بوده، مشترکند؛ اما این روایات و همچنین آیات در مقام اثبات سعادت و شقاوت ذاتی نیستند و آنچه را برای انسان اثبات می‌کنند از قبیل زوجیت برای چهار نیست.<sup>۱</sup>

با توجه به این اشتراک و پیوند عمیق میان اخبار طینت و موضوع سعادت و شقاوت ذاتی محقق خوئی<sup>۲</sup> و امام خمینی<sup>۳</sup> هر کدام در بحث از سعادت و شقاوت ذاتی پای اخبار طینت را نیز به میان کشیده‌اند و در پی ارائه معنایی معقول از این دسته اخبار بوده‌اند؛ اگر چه به تفصیل ورود به مباحث اخبار طینت پیدا نکرده‌اند.

علامه طباطبائی پنجمین دسته از روایاتی را که دلالت بر سعادت و شقاوت ذاتی می‌کند، اخباری می‌داند که در آنها به موضوع انتقال اعمال سیئه شیعیان و مؤمنین به مخالفین و انتقال اعمال حسنی مخالفین به شیعیان سخن رفته است.<sup>۴</sup> می‌دانیم که یکی از نکاتی که در اخبار طینت بسیار بدان پرداخته شده، موضوع انتقال اعمال است. با توجه این نکته ارتباط و تأثیرگذاری متقابل این مباحث، بیش از پیش دانسته می‌شود.

در برخی احادیث، آن سعادت و شقاوت ذاتی تفسیر به علم خداوند شده است. امام کاظم علیه السلام پیغمبر اکرم ﷺ را نقل می‌کند که فرمود: "الشقی من شقی فی بطن أمه والسعید من سعد فی بطن أمه" و در توضیح آن فرمود: "الشقی من

۱. المیزان ۹۵:۸

۲. محاضرات فی أصول الفقه ۱۱۱:۲

۳. چهل حدیث: ۵۴۵ و ۵۵۲

۴. المیزان ۹۹:۸

علم الله وهو في بطن أمه أنه سيعمل أعمال الأشقياء»<sup>۱</sup> مشابه همین نکته در اخبار طینت آمده که اختلاف در آفرینش سرشت بندگان و همچنین شقاوت و سعادت را مرتبط به علم خداوند دانسته است. طبق حدیث قدسی که در کافی روایت می‌کند: «وبعلمي النافذ فيهم خالفت بين صورهم وأجسامهم وألوانهم وأعمارهم وأرزاقهم وطاعتهم ومعصيتهم، فجعلت منهم الشقي والسعيد والبصير والأعمى والقصير والطويل والجميل والدميم والعالم والجاهل والغنى والفقير والمطيع والعاصي والصحيح والسقيم». <sup>۲</sup> این احادیث، می‌تواند مؤید نظر کسانی باشد که خلقت طیبیتی را تفسیر به علم خداوند می‌کنند.

در ذیل نگاهی اجمالی به بحث سعادت و شقاوت ذاتی در احادیث و توجیه آن می‌اندازیم.

از معروفترین روایات این باب، روایتی است که متن آن از پیغمبر اکرم ﷺ و امام صادق علیه السلام نقل شده است. «الشقي من شقى في بطن أمه، والسعيد من سعد في بطن أمه»<sup>۳</sup> و حدیث معروف: «الناس معادن؛ كمعدن الذهب و الفضة». <sup>۴</sup> محمد بن احمد بن خالد برقم متوفی ۲۷۴هـ.ق. در المحسن<sup>۵</sup>، کلینی متوفی ۳۲۹هـ.ق. در کافی<sup>۶</sup> و شیخ صدوق متوفی ۳۸۱هـ.ق. در التوحید<sup>۷</sup> از محدثانی هستند که در کتب خویش بابی تحت عنوان «باب السعادة و الشقاوة» گشوده‌اند و احادیثی را که بر رقم خوردن سعادت و شقاوت انسان پیش از خلقتش دلالت دارد در آن گنجانده‌اند.

۱. التوحید: ۳۵۶.

۲. الكافي: ۹: ۲.

۳. التوحید: ۳۵۶.

۴. من لا يحضره الفقيه: ۴: ۳۸۰.

۵. المحسن: ۱: ۲۷۹ - ۲۸۱.

۶. الكافي: ۱: ۱۵۲ - ۱۵۴. مس.

۷. التوحید: ۳۵۸ - ۳۵۴.

از ظاهر این احادیث، شبیه سعادت و شقاوت ذاتی انسان بر می‌آید و بزرگان از اندیشمندان شیعه همچون آخوند خراسانی، نیز به آن اشاره کرده و به این احادیث تمسک جسته‌اند.<sup>۱</sup>

امام موسی بن جعفر علیهم السلام در همین موضوع می‌فرماید: «الشقى من علم الله وهو فى بطن أمه أنه سيعمل أعمال الأشقياء والسعيد من علم الله وهو في بطن أمه أنه سيعملُ أعمال السعداء».<sup>۲</sup>

آن حضرت در شرح ادامه روایت پیامبر اکرم ﷺ که می‌فرماید: «اعلموا فكلُّ ميسِّرٍ لما خُلِقَ له»، فهم آن را با ملاحظه آیه «ومَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَ» کامل می‌داند و حدیث را بر آن عرضه می‌نماید. در نتیجه می‌افزاید: «ولم يخلقهم ليصووه». بنابراین علاوه بر اینکه ذاتی بودن سعادت و شقاوت در این حدیث نفی گردیده، سعادت نیز به منزله هدف آفرینش و به عنوان سرنوشت اختیاری هر شخصی قلمداد شده است.

در حدیثی دیگر از امیر المؤمنین علیهم السلام سعادت و شقاوت، به پایان دادن کار خوب و یا بدی که توسط خود انسان صورت می‌پذیرد، تفسیر شده است: «حقيقة السعادة أن يختتم الرجل عمله بالسعادة وحقيقة الشقاء أن يختتم الرجل عمله بالشقاء».<sup>۳</sup>

از لحاظ عقلی نیز متکلمین در رد ذاتی بودن سعادت و شقاوت گفته‌اند که اگر مقصود از ذاتی بودن سعادت، ذاتی در باب کلیات به معنای جنس و فصل یک چیز باشد، با این اشکال مواجه می‌شود که شقاوت نه ممکن است جنس آدم و نه

۱. کفاية الاصول: ۶۸. شایان ذکر است که مرحوم آخوند پس از ذکر دو روایت پیش‌گفته و سخن از اثبات ذاتی بودن سعادت و شقاوت انسان می‌گوید: «قلم به اینجا رسید سر بشکست». از این سخن می‌توان چنین احتمال داد که مرحوم آخوند خراسانی اعتقادی به ذاتی بودن سعادت و شقاوت انسان ندارد، در عین حال که به هر دلیل، از ورود تفصیلی به آن خودداری کرده است.

۲. التوحيد: ۳۵۶.

۳. بحار الأنوار: ۱۵۴.



فصل آدم باشد؛ چرا که بنا بر این فرض یکی از این دو با مفهوم انسانی خواهد بود. و چگونه ممکن است سعادت و شقاوت که دو امر متضاد می‌باشند هر دو جنس و یا فصل انسان را تشکیل دهند؟ اما اگر مقصود از ذاتی، ذاتی در باب برهان باشد، در این صورت اگر ذاتی به معنای علت تامه باشد، علاوه بر اینکه مخالف برهان عقلی می‌باشد، مخالف وجود نیز هست؛ چرا که از یک سو برهان جبر را باطل می‌داند و از سوی دیگر وجود نیز حکم به اختیار و آزادی بشر می‌کند.

علامه طباطبائی در تعلیقه بر اصول کافی توضیح می‌دهد که چگونه سعادت و شقاوت نسبت به انسان به یک توضیح، امکانی و به توضیح دیگر، ضروری است.<sup>۱</sup>

وی در تفسیر المیزان تبیین و توجیه دیگری نیز از این موضوع در بحث از اخبار طینت و رجوع سرنوشت انسان به سعادت و شقاوت در خلقت ابتدایی ارائه می‌دهد که به آن اشاره خواهد شد.

## ۵. طینت و معاد

بحث طینت، از برخی جهات به موضوع معاد جسمانی مرتبط می‌گردد. برخی از حدیث‌پژوهان اعتقاد و باور به احادیث خلقت ارواح پیش از ابدان را در تبیین و توضیح معاد جسمانی و باور آن مؤثر دانستند.

به عقیده اینان وجود روح جدای از جسم در عوالم پیشین به فهم این جهت از مشکلاتِ معاد جسمانی کمک می‌کند که چطور می‌تواند روحی که هنگام مرگ از جسم جدا شده، دوباره به جسم برگردد.

حسن بن سلیمان حلی متوفی ۸۰۲ هـ ق. در سخنی به خوبی به این نکته توجه

نموده و آن را اینچنین بازگو کرده است: «واعلم هداك الله أن لهذا المقام الشريف أصلًا من عرفه لم ينكر المراج البدنی واستسهله ولم يتوعّر على عقله، فيقذفه وهو ما روی عن الصادق عليه السلام إن الله خلق أرواحنا من عيین ولم يجعل لأحد...».<sup>۱</sup>

نکته دیگر طینت باقیه است.<sup>۲</sup> طینت باقیه در حقیقت آن چیزی است که وقتی انسان از دنیا می‌رود، با اینکه همه اعضای بدن او در قبر متلاشی شده و از بین خواهد رفت؛ اما این طینت باقی می‌ماند تا از آن همانطور که نخستین بار آفریده شده، خلق شود.

در حدیث از امام صادق علیه السلام است: «سئل عن الميت يبلى جسده، قال: نعم حتى لا يبقى له لحم ولا عظم إلا طينته التي خلق منها فإنها لا تبلي، تبقي في القبر مستديرة حتى يخلق منها كما خلق أول مرة».«<sup>۳</sup>

مرحوم سید عبد الله شبّر پس از ذکر این حدیث در مصابیح الأنوار کوشیده تا ارائه معنا و تفسیری صحیح از طینت و استداره و ارتباط آن با ثواب و عقاب و معاد بدهد. وی در این زمینه به چهار قول اشاره کرده است:

۱. مقصود از طینت، نفس ناطقه‌ای است که اصل انسان و حقیقت اوست و وقتی اجزاء بدن از میان رفت، ثواب و عقاب داده می‌شود تا زمانی که خداوند جسدی را بیافریند و برای بار دوم ثواب و عقاب بدان تعلق بگیرد.

۲. نظر دوم مقصود طینت را نطفه می‌داند؛ چرا که طینت آن اصلی است که اجزاء اصلیه؛ مانند: گوشت، استخوان، عصب و... از آن متولد می‌شود.

۳. نظر سوم مراد از طینت را خاکی می‌داند که در نطفه داخل شده.

۱. المحضر: ۴۵-۴۴.

۲. مصابیح الأنوار: ۱۸.

۳. الكافي: ۲۵۱.

۴. مراد از طینت، ذرهای از ذراتی است که در ازل مورد سؤال قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

## ۵. طینت و قضاء و قدر

قدر به معنای اندازه است، یعنی: قرار دادن حد و اندازه‌ای از جانب پروردگار برای هر پدیده‌ای که تحت تأثیر شرائط معین و علل مشخص تحقق می‌یابد. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدْرٍ»<sup>۲</sup>، «وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا حَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدْرٍ مَعْلُومٍ»<sup>۳</sup>

قضاء به معنای قطع و حتمیت پدیده‌ای توسط پروردگار پس از فراهم آمدن مقدمات و علل آن است. این مفهوم ریشه در آیات قرآن مجید دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «وَ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»<sup>۴</sup>، «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طينٌ ثُمَّ قَضَى أَجَالًا»<sup>۵</sup>

بر اساس اخبار طینت، تقدیر و قضاء الهی بر آن رقم خورده که آفرینش سرشت شیعیان در عالمی پیش از این عالم با طیتی از طینت خوب رقم بخورد و همینطور آفرینش سرشت مخالفین اهل بیت علیهم السلام بالعكس باشد.

برخی از احادیث دلالت بر پیوند عمیق میان فهم مسئله کیفیت آفرینش نخستین انسان و فهم مسئله قضاء و قدر دارند به طوری که در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «لَوْ عَلِمَ النَّاسُ كَيْفَ كَانَ ابْتِدَاءُ الْخَلْقِ لَمَا اخْتَلَفُوا إِنَّمَا». علامه مجلسی در تفسیر این عبارت می‌نویسد: «مقصود از «لما اختلف اثنان» آن است که هیچ کسی در مسئله قضاء و قدر اختلاف نمی‌کرد».<sup>۶</sup>

۱. مصابیح الأنوار في حل مشكلات الأخبار: ۱۸-۱۹. (نقل به تلخیص)

۲. قمر: ۴۹.

۳. حجر: ۲۱.

۴. بقره: ۱۱۷.

۵. انعام: ۲.

۶. بحار الأنوار: ۵: ۲۵۳.

## ۷. طینت و نفس انسانی

بحث از اینکه نفس انسان مجرد است یا غیر مجرد؟ بحثی است پر دامنه که از قدیم میان حکماء و متكلّمین مطرح بوده است. حکماء قائل به مجرد بودن نفس بوده و در مقابل بسیاری از متكلّمین معتقد به غیر مجرد بودن نفس بوده‌اند.

این بحث از مباحثی است که ارتباط مستقیمی با بحث طینت دارد. آقا جمال الدین خوانساری در کتاب شرح احادیث طینت در بخشی از مقدمه کتاب تحت عنوان «تتمه» به اختلاف حکماء و متكلّمان می‌پردازد در اینکه نفس انسانی مجرد است یا غیر مجرد؟ و به ارتباط مستقیم با بحث طینت اشاره کرده است.<sup>۱</sup>

بیشتر متكلّمین که اعتقاد به غیر مجرد بودن نفس انسان دارند، احادیث طینت را بر ظاهر خود حمل می‌کنند؛ چرا که می‌تواند بدن مؤمنین از گلی خلق شده باشد و بدن کفار از گلی دیگر؛ و بدین صورت اختلاف در خوبی و بدی و صدور اعمال پسندیده و ناپسند از انسان می‌پذیرد.

همچنین آنچه در احادیث طینت وارد که که کسی که از طینت بد خلق شده، نمی‌تواند از طینت خوب خلق شود و کسی که از طینت خوب خلق شده، نمی‌تواند از طینت بد خلق شود، بنا بر اعتقاد این دسته از متكلّمین، روشن و بدون اشکال است.

اما بنا بر اعتقاد حکماء که نفوس انسانیه مجرد است، بین ظاهر احادیث طینت و مجرد بودن نفس تعارض پیش می‌آید؛ چرا که به اعتقاد حکماء فاعل نفس است و بدن به منزله آلتی برای نفس می‌باشد و اختلاف طینت موجب این نمی‌شود که نفسی که تعلق به بدنی که طینت خوب دارد، اعمال حسنی انجام دهد و در مقابل نفسی که تعلق به بدنی که طینت بد دارد، اعمال سیئه و گناه

۱. شرح احادیث طینت: ۱۵-۱۷

انجام دهد. در حالیکه مفاد ظاهر احادیث طینت چنین است که اختلاف در بدنی

که متعلق به طینت خوب و بد است، موجب اعمال حسن و سیئه می‌باشد.

در این میان دیدگاه صدر المتألهین پیرامون نفس و حرکت جوهری نیز

دیدگاهی متفاوت است که علامه طباطبائی بر اساس آن به شرح متفاوتی از اخبار

طینت پرداخته است.

## ۸. طینت و انتقال اعمال

در روایات متعددی از اخبار طینت به این مطلب اشاره شده است که اعمال

رشت و گناهان شیعیان اهل بیت علیهم السلام به مخالفین اهل بیت علیهم السلام منتقل می‌گردد و

در مقابل، هر عمل پسندیده و صالحی که از سوی مخالفین اهل بیت علیهم السلام صادر

گردد، به شیعیان ایشان انتقال می‌یابد.

امام باقر علیه السلام به راوی فرمود: به من بگو، از خورشید هنگامی که طلوع می‌کند و

شعاع نورش در شهرها آشکار می‌گردد، آیا جدا از قرص می‌شود؟ گفتم: در

هنگام طلوعش جداست. فرمود: آیا هنگامی که خورشید غایب می‌گردد، آن

شعاع به قرص بر نمی‌گردد؟ گفتم: آری. امام فرمود: همینطور هر چیزی به سinx

و جوهر و اصل خویش باز می‌گردد. هنگامی که روز قیامت فرا رسد، ناصب و

طیتش همراه با گناهانی است که از مؤمن ملحق به او می‌گردد و مؤمن و طیتش

نیز گرفته می‌شود و حسنات و کارهای خیر از ناصب نیز به او ملحق می‌گردد...»<sup>۱</sup>

موضوع انتقال اعمال با تعبیری نزدیک به تعبیری که در احادیث طینت بکار

رفته، در اخبار عامه نیز مشاهده می‌گردد؛ اما در احادیث ایشان سخن از انتقال

اعمال بین مسلمانان با مسیحیان و یهودیان رفته است.

حاکم نیشابوری متوفی ۴۰۶ هـ. در کتاب المستدرک از ابوموسی روایت

۱. بخار الانوار: ۲۳۲.

می‌کند که رسول خدا فرمود: «لِيَجِئُنَّ أَقْوَامٌ مِّنْ أُمَّتِي بِمَثَلِ الْجَبَالِ ذُنُوبًا، فَيَغْفِرُهَا اللَّهُ لَهُمْ وَيُضْعِهَا عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى».»

حاکم نیشابوری این حديث را از احادیث می‌داند که بنا بر شروط شیخین (بخاری و مسلم) صحیح است؛ گرچه در صحاح خویش نیاورده‌اند.<sup>۱</sup>

وی حدیث دیگری نیز در این موضوع با اضافاتی بر حدیث قبلی می‌آورد: که رسول الله فرمود: «تحشر هذه الأمة على ثلاثة أصناف صنف يدخلون الجنة بغير حساب وصنف يحاسبون حساباً يسيراً [أو صنف يجيئون] على ظهورهم أمثال الجبال الراسيات، فيسأل الله عنهم وهو أعلم بهم، فيقول: ما هؤلاء؟ فيقولون: هؤلاء عبيد من عبادك فيقول: حطوا عنهم واجلوها على اليهود والنصارى وأدخلوهם برحمتي الجنة.»<sup>۲</sup> ابو داود طیالسی از ابو موسی روایت کرده که رسول الله فرمود: «لا يموت مؤمن إلا أدخل الله مكانه النار يهودياً أو نصرياً.»<sup>۳</sup>

در برخی از روایات عame، از انتقال اعمال مسلمانان به مشرکین سخن رفته است. ابن ماجه در سنن خود، در باب ویژگیهای امت پیغمبر و بیهقی از انس روایت می‌کنند: «قال رسول الله : إن هذه أمة مرحومة عذابها بأيديها، فإذا كان يوم القيمة دفع إلى كلّ رجل من المسلمين رجلٌ من المشركين، فيقال: هذا فداءٌ ك من النار.»<sup>۴</sup> انتقال اعمال به صورتی که در روایات طیبت مطرح گشته، دست کم در نظر اولیه مخالف با عدالت الهی است و با نصوصی همچون آیه شریفه: «وَلَا تَنْزِرْ وَازْرَةً وزرَ أَخْرَى» تعارض دارد.

از همین روی برخی از علماء عame این روایات را به خاطر تعارضشان با عدل

۱. المستدرک على الصحيحین: ۲۰۳-۲۰۲.

۲. المستدرک على الصحيحین: ۲۰۳.

۳. مستند ابی داود الطیالسی: ۶۸.

۴. سنن ابن ماجة: ۲، ۱۴۳۴، شعب الإيمان: ۱، ۳۴۲.

الهی و نصوص قرآنی و روایی رد کرده‌اند و یا توجیه نموده‌اند. علامه میر حامد حسین آراء علماء اهل سنت را در این باره در ضمن کتاب «استقصاء الإفحام» جای داده است که تلخیص آن توسط دانشمند محترم سید علی میلانی «استخراج المرام من استقصاء الإفحام» انجام پذیرفته و در دسترس است.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب پیش‌گفته، چنین بدست می‌آید که بررسی و فهم اخبار طینت، از سویی تحت تأثیر موضوعات متعدد دیگر و از سوی دیگر مؤثر بر موضوعات دیگر در معارف حدیثی کلامی شیعه است. این تأثیر و تأثر، گاه در اصل اثبات و یا انکار می‌باشد و گاه در کیفیت تفسیر و تحلیل اخبار طینت و دیگر موضوعات مرتبط با آن تحقق می‌یابد. از این روی برای ارائه تحلیلی جامع و کامل از اخبار طینت، باید در موضوعاتی که با اخبار طینت پیوند خورده است، تبیینی کامل داشت تا بتوان با توجه به تمامی این موضوعات در کنار یکدیگر، به منظومه‌ای جامع و بدون تعارض و نقصان رسید.

## متابع

١. بحرانی، سید هاشم. (بی‌تا). *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقيق: قسم الدراسات الاسلامية في مؤسسة العثة، مؤسسة العثة، قم.
٢. بحرانی، يوسف. (١٤٠٩). *الحداثق الناصرة*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
٣. برقی، احمد بن محمد بن خالد. (١٣٣٠ ش). *المحاسن*، تهران، دار المكتب الاسلامی.
٤. بیباپانی اسکوپی، محمد. (١٣٨٦). *انسان در عالم اظله و ارواح: آیات و احادیث*، فصلنامه سفینه، شماره ١٥، صص ٣٣-٩.
٥. بیهقی، احمد بن الحسین. (١٤١٠ق). *شعب الایمان*، تحقيق: ابی هاجر محمد زغلول، دار الكتب العلمیة، بیروت.
٦. جزائری، سید نعمت الله. (١٤١٧ق). *نور البراهین*، تحقيق: سید مهدی رجائی، مؤسسة النشر الاسلامی، قم.
٧. حائری، محمد حسین. (١٤٠٤). *الفصول الغروریة فی الاصول الفقهیة*، دار احیاء العلوم الاسلامیة، قم.
٨. حلی، حسن بن سلیمان. (١٤٢٤ق). *المحتضر*. تحقيق: سید علی اشرف، انتشارات المکتبة الحیدریة.
٩. حلی، حسن بن سلیمان. (بی‌تا). *مختصر البصائر*، تحقيق: مشتاق المظفر، بی‌نا، بی‌جا. خراسانی، محمد کاظم. (١٤٠٩ق). *کفایة الاصول*، تحقيق: مؤسسة آل البيت ع، مؤسسة آل البيت ع، قم.
١٠. خوانساری، آقا جمال الدین. (١٣٥٩). *شرح احادیث طینت*، به اهتمام عبد الله نورانی، تهران.
١١. خوئی، سید ابو القاسم. (١٤١٩ق). *محاضرات فی اصول الفقه*، تقریر: اسحاق فیاض، مؤسسة النشر الاسلامی، قم.
١٢. سبحانی، جعفر. (١٤١٨ق). *لب الاثر فی الجبر و القدر*، مؤسسة الامام الصادق ع، قم.
١٣. شبر، سید عبد الله. (بی‌تا). *مصایبحة الانوار فی حل مشکلات الاخبار*، کتابفروشی بصیرتی، قم.
١٤. صفار، محمد بن حسن. (١٤٠٤ق). *بصائر الدرجات*، تحقيق: میرزا حسن کوچه باغی، منشورات الاعلمی، تهران.
١٥. طباطبائی، سید محمد حسین. (بی‌تا). *تفسیر المیزان*، قم، منشورات جماعة المدرسین.
١٦. طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر مجمع البيان*، تحقيق لجنة من العلماء و المحققین، بیروت، منشورات الأعلمی، ١٤١٥ق.
١٧. طیلسی، سلیمان بن داود. (بی‌تا). *مسند ابی داود الطیلسی*، دار المعرفة، بیروت.

١٨. عکبری، محمدبن محمد بن نعمان. (١٤١٤ق). *تصحیح اعتقدات الامامیة*، تحقیق: حسین درگاهی، دار المفید للطباعة و النشر والتوزیع، بیروت.
١٩. عروضی حوزی، عبد علی بن جمیعه. (١٤١٢ق). *تفسیر نور الثقلین*، تصحیح و تعلیق: سید هاشم رسولی محلاتی، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
٢٠. عیاشی، محمد بن مسعود. (بی‌تا). *تفسیر العیاشی*، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، المکتبة الاسلامیة، تهران.
٢١. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقی، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
٢٢. قمی، علی بن ابراهیم. (١٤٠٤ق). *تفسیر القمی*، قم، موسسه دارالکتاب.
٢٣. قمی، محمد بن علی بن بابویه. (١٣٨٦ق). *علل الشرایع*، نجف اشرف، منشورات المکتبه الحیدریه.
٢٤. قمی، محمد بن علی بن بابویه. (١٤١٧ق). *الأمالی*، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة فی مؤسسةبعثة، مؤسسةبعثة.
٢٥. قمی، محمد بن علی بن بابویه. (بی‌تا). *من لا يحضره الفقيه*، قم، موسسه النشر الاسلامی.
٢٦. قمی، محمد بن علی بن بابویه. (بی‌تا). *التورحیا*، قم، منشورات جماعة المدرسین.
٢٧. کربلائی، جواد بن عباس. (١٤٢٨ق). *الانوار الساطعة فی شرح زیارة الجامعۃ*، مؤسسة الاعلمی، بیروت.
٢٨. کلینی، محمد بن یعقوب. (١٣٦٣ش). *الکافی*، تهران، دار الكتب الاسلامیة.
٢٩. مازندرانی، مولی محمد صالح. (١٤٢١ق). *شرح أصول الکافی*، تعلیقات: میرزا ابو الحسن شعرانی، تصحیح: سید علی عاشور، دار احیاء التراث العربي، بیروت.
٣٠. مجلسی، محمدباقر. (١٤٠٣ق). *بحار الانوار*، بیروت، موسسه الوفاء.
٣١. مجلسی، محمد باقر. (١٤١١ق). *مرأة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تحقیق: شیخ علی آخوندی و سید جعفر حسینی، دار الكتب الاسلامیة، تهران.
٣٢. میلانی، سید علی، استخراج المرام من استقصاء الإفحام، مؤلف، قم، ١٤٢٥ق.
٣٣. نوری، حسین. (١٤١٥ق). *خاتمة المستدرک*، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام.
٣٤. نیشابوری، عبدالله بن بیع. (بی‌تا). *المستدرک علی الصحيحین*، تحقیق: یوسف عبدالرحمٰن مرعشلی، دارالمعرفة، بیروت.